رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۹، تیر ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(4), 2025

واکاوی شاخص‌های طلاق کم‌آسیب برای کودکان: یک پژوهش کیفی

Analyzing indicators of low damage divorce for children: a qualitative research

کیمیا اسدی تیرانی
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
دکتر محمدسجاد صیدی (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
دکتر سید محسن حجت خواه
استادیار، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

Kimia Asadi Tirani
M.A in family counseling, Department Of Counseling, Faculty Of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.
Dr. Mohammad Sajjad Seydi *
Associate Professor, Department Of Counseling, Faculty Of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.
m.seydi@razi.ac.ir
Dr. Seyed Mohsen Hojatkhah
Assistant Professor, Department Of Counseling, Faculty Of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

چکیده

طلاق رویدادی استرس‌زاست که می‌تواند پیامدهای کوتاه و طولانی‌مدت فیزیکی، روانی و اجتماعی بسیاری را برای فرزندان به همراه داشته باشد، چگونگی تجربه فرایند طلاق نقش مؤثری در بروز این پیامدها دارد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف واکاوی شاخص‌های طلاق کم‌آسیب برای کودکان انجام گرفته است. پژوهش حاضر از نوع کیفی پدیدارشناسی بود و شرکت‌کنندگان این پژوهش را ۱۳ نفر از مشاوران روانشناختی حوزه طلاق شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. لازم به ذکر است که فرایند نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام گرفت. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۳ مضمون اصلی تحت عنوان «مداخلات مشاوره‌ای»، «مداخلات معطوف به والدین» و «مداخلات معطوف به کودکان» شد. نتایج نشان داد طلاق وقتی می‌تواند آسیب کمتری برای کودکان داشته باشد که مداخلاتی برنامه‌ریزی شده مثل عدم تضعیف جایگاه والد دیگر، ارتباط سالم والدین پس از طلاق، حفظ پیوندهای پیشینی فرزندان پس از طلاق و مداخلات مثبت شناختی برای کودک و والدین آنها تعبیه و اجرا گردد. پژوهش حاضر منجر به شناسایی شاخص‌های طلاق کم‌آسیب شد و یافته‌های آن می‌تواند جهت برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب طلاق در کودکان و ارائه راهکارهای مشاوره‌ای، مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: *طلاق کم‌آسیب، آسیب طلاق، پدیدارشناسی، کودکان طلاق.*

Abstract

Divorce is a stressful event that can have numerous short-term and long-term physical, psychological, and social consequences for children. The quality of the divorce process experience plays a significant role in the emergence of these consequences. Therefore, the present study aimed to explore the indicators of low-damage divorce for children. This research was qualitative and phenomenological in nature, and the participants consisted of 13 psychological counselors specializing in divorce in Kermanshah in 2024, selected through purposeful sampling. It is noteworthy that the sampling process continued until theoretical saturation was reached, and data analysis was conducted using Collizis' seven-step method. Analyzing the participants' experiences led to the identification of three main themes: "counseling interventions," "parent-oriented interventions," and "child-oriented interventions." The results indicated that divorce can be less harmful to children when planned interventions are implemented, such as not undermining the position of the other parent, maintaining healthy communication between parents after divorce, preserving pre-existing bonds of children after divorce, and positive cognitive interventions for both children and their parents. This study resulted in the identification of low-damage divorce indicators, and its findings can be utilized for planning to reduce the harms of divorce on children and providing counseling strategies.

Keywords: *Low Damage Divorce, Damage of Divorce, Phenomenology, Children of Divorce.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** آبان ۱۴۰۳ | **پذیرش:** اسفند ۱۴۰۳ | **ویرایش نهایی:** تیر ۱۴۰۴

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

مقدمه

طلاق یک گره گشایی دردناک برای خانواده است که جامعه را نیز دستخوش تغییر می‌سازد (اوهارا[1] و همکاران، ۲۰۲۴). طلاق عامل فروپاشی نظام خانواده و رویدادی آسیب‌زاست که وقوع آن با تغییر در سبک زندگی، افزایش تنش روانی و تغییر نقش همراه است، این پدیده نه تنها برای زوجین بلکه برای کودکان نیز به منزله شروع یک مبارزه طولانی و دشوار می‌باشد (کوستنسه[2]، ۲۰۲۴). در چند سال گذشته آمار طلاق به شدت افزایش یافته است به گزارش سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۱، ۲۰۴۳۰۱ طلاق به ثبت رسیده است که این آمار در مقایسه با سال گذشته با افزایش ۱.۳ درصدی همراه بوده است (سازمان ثبت احوال ایران، ۱۴۰۱). طلاق یک بحران عاطفی و تجربه‌ای استرس‌زا است که می‌تواند بر عملکرد اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان تأثیر منفی بگذارد، نتایج مطالعات نشان می‌دهد طلاق والدین پیامدهای روانی و اجتماعی بسیاری را برای فرزندان به همراه دارد (زاخور[3] و همکاران، ۲۰۲۳)، طلاق والدین با بروز اضطراب و مشکلات رفتاری در کودکان مرتبط است و کودکانی که والدین آنها طلاق گرفته‌اند، مشکلات رفتاری بیرونی‌سازی و درونی‌سازی شده بیشتری دارند (کارهینا[4] و همکاران، ۲۰۲۳؛ لان و ماستروتئودورس[5]، ۲۰۲۴). هم چنین، طلاق با تأثیر منفی بر کیفیت رابطه والدین و فرزندان همراه است، نتیجه مطالعه توسی و گتو[6](۲۰۲۴) حاکی از آن است که در نتیجه طلاق، فرزندان اعتماد خود را به والدین از دست می‌دهند و ارتباط کمتری با آنها برقرار می‌کنند.

کودکان پس از طلاق سطح رفاه پایین‌تری را تجربه می‌کنند و احتمال ترک تحصیل و ابتلا به مشکلات سلامت روان در میان آنها بیشتر است (کارهینا و همکاران، ۲۰۲۴؛ کراسنیقی[7]، ۲۰۲۳). تجربه طلاق والدین رضایت کمتر از روابط عاشقانه را به دنبال دارد و به‌احتمال بیشتری در فرزندان طلاق سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی ایجاد می‌شود (پاسکوزی[8]، ۲۰۲۴). طلاق والدین با ترس، اجتناب اجتماعی و افکار خودکشی نیز مرتبط است (حسین‌زاده دشتی و همکاران، ۱۴۰۳؛ ژو[9]، ۲۰۲۳). نتایج مطالعات نشان می‌دهد فرزندانی که والدین آنها جدا شده‌اند احساس تنهایی، اضطراب و افسردگی بیشتری در کودکی و بزرگسالی تجربه می‌کنند (تران[10] و همکاران، ۲۰۲۳؛ زی[11]، ۲۰۲۴) و به احتمال بیشتری به استفاده از سیگار و مواد مخدر روی می‌آورند (قدر و علم[12]، ۲۰۲۴). به‌علاوه، طلاق والدین با شروع زودهنگام مصرف الکل و رفتارهای جنسی پرخطر در میان جوانان مرتبط است و فرزندان طلاق با احتمال بیشتری برای سوءاستفاده جنسی مواجه هستند (سالواتوره[13] و همکاران، ۲۰۲۳؛ کو[14] و همکاران، ۲۰۲۳؛ وانگ[15] و همکاران،۲۰۲۲).

طلاق فرایندی است که کیفیت آن نقش مؤثری در بروز پیامدها برای فرزندان دارد (آماتو[16]، ۲۰۱۴)، نتایج مطالعات نشان می‌دهد ادراک کودکان از تعارض والدین در طول طلاق، با بی‌نظمی هیجانی و کاهش بهزیستی روانشناختی همراه است (رادتسکی[17] و همکاران، ۲۰۲۱) و فرزندانی که طلاق والدینی پرتعارضی را تجربه می‌کنند آسیب‌های بیشتری را متحمل گشته و سازگاری کمتری با تغییرات پس از طلاق خواهند داشت روابط والدینی خوب و تعارض کمتر، آسیب‌پذیری کودکان را کاهش داده و سازگاری مثبت فرزندان پس از طلاق را به همراه دارد (بینگ[18] و همکاران، ۲۰۰۹؛ روزنشتاین[19]، ۲۰۲۴؛ ون در وال[20] و همکاران، ۲۰۱۹). تا کنون مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور به شناسایی عوامل مؤثر بر سازگاری فرزندان پس از طلاق والدین پرداخته‌اند، نتایج این مطالعات حاکی از آن است عواملی چون والدگری مشترک، بهره‌مندی از شبکه حمایتی، حفظ ثبات در شرایط زندگی کودکان و شنیده شدن احساسات آنها از جمله عوامل

1 O'Hara
2 Kostense
3 Zakhour
4 Karhina
5 Lan & Mastrotheodoros
6 Tosi & Guetto
7 Krasniqi
8 Pascuzzi
9 Zhou
10 Tran
11 Xie
12 Qadar & Alam
13 Salvotore
14 Kuo
15 Wang
16 Amto
17 Radetzki
18 Bing
19 Rosenstein
20 Van der Wall

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

محافظتی هستند که در کاهش آسیب طلاق برای کودکان نقش دارند و روند سازگاری یافتن کودکان با طلاق والدین را تسهیل می‌کنند (آماتو و همکاران، ۲۰۱۱؛ کائو[1] و همکاران، ۲۰۲۲؛ مارکهام[2] و همکاران، ۲۰۲۴).

بررسی ادبیات پژوهشی داخل و خارج از کشور مؤید این نکته است که هیچ مطالعه‌ای به مفهوم‌سازی طلاق کم‌آسیب برای فرزندان نپرداخته است و عمده مطالعات این حوزه به روش مرور سیستماتیک و یا مصاحبه با والدین و فرزندان به شناسایی عوامل مؤثر بر سازگاری فرزندان پس از طلاق والدین پرداخته‌اند، این خلأ پژوهشی و نیز روند افزایشی آمار طلاق، به خوبی اهمیت واکاوی شاخص‌های طلاق کم‌آسیب برای کودکان را نشان می‌دهد. شناسایی این عوامل گامی مهم در امر مشاوره به والدین متقاضی طلاق و آگاه ساختن آنها با چگونگی گذار از فرآیند طلاق می‌باشد. نتایج این مطالعه می‌تواند به بهبود بهداشت روانی و کیفیت زندگی فرزندان طلاق و نیز کمک به افزایش سازگاری آنها با جدایی والدین بینجامد و به افراد و موسسات مربوط در امر طلاق یاری رساند. از این رو، با توجه به خلأ پژوهشی موجود و نیز تأثیرپذیری قابل‌توجه پدیده طلاق از مقوله فرهنگ، مطالعه حاضر سعی دارد با روش‌شناسی کیفی و از طریق مصاحبه با مشاوران روانشناختی حوزه طلاق، طلاق کم‌آسیب را برای فرزندان مفهوم‌سازی کند.

روش

روش پژوهش حاضر کیفی[3] و از نوع پدیدارشناختی[4] بود. شرکت‌کنندگان این پژوهش را ۱۳ نفر از مشاوران روان‌شناختی حوزه طلاق شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۳ تشکیل می‌دادند. نمونه‌گیری در این پژوهش به روش هدفمند بود و فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. به‌منظور انجام پژوهش مشاوران و روان‌شناسان حوزه طلاق در شهر کرمانشاه شناسایی شدند و از افرادی که معیارهای ورود را دارا بودند، به‌منظور شرکت در پژوهش دعوت به عمل آمد. سپس با متخصصانی که موافقت خود را اعلام کردند، مصاحبه‌ای عمیق در محل کار آنها و در بازه زمانی ۴۰ الی ۶۰ دقیقه انجام شد و در نهایت پس از مصاحبه با ۱۳ نفر از متخصصان اشباع نظری حاصل شد، یعنی در دو مصاحبه آخر اطلاعات جدیدی به اطلاعات استخراج شده اضافه نشد و مصاحبه با افراد دیگر متوقف شد. معیارهای ورود این پژوهش عبارت بودند از: ۱- دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در رشته مشاوره و روانشناسی ۲- دارا بودن حداقل ۵ سال سابقه کار در حوزه طلاق و کودک ۳- دارا بودن حداقل یک مقاله علمی در حوزه ازدواج و طلاق. معیارهای خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از: ۱- عدم تمایل به مشارکت در پژوهش ۲- عدم پاسخگویی مناسب به سوال‌های پژوهش. به منظور رعایت اصول اخلاقی پیش از انجام پژوهش، رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان کسب و بر داوطلبانه بودن شرکت در پژوهش تاکید شد، مصاحبه‌شوندگان از اهداف پژوهش و مصاحبه مطلع شدند و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات و هویت آنها محرمانه باقی خواهد ماند و مصاحبه‌ها با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط شد.

ابزار سنجش

در این پژوهش به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه بدون ساختار[5] در دستور کار قرار گرفت. مصاحبه بدون ساختار یک روش جمع‌آوری داده است که در آن سوالات از قبل طراحی نشده‌اند اما با سوال یا هدف کلی پژوهش مرتبط هستند. در این روش مصاحبه‌گر به منظور ادامه مصاحبه و جمع‌آوری داده‌های دقیق درباره موضوع تحقیق بر پاسخ‌های شرکت کنندگان تکیه می‌کند. هدف از مصاحبه به‌دست‌آوردن اطلاعات دقیقی است که دیدگاه، تجربیات، احساسات و معنای مشتق شده از یک مسئله یا موضوع خاص را روشن می‌کند (پاتون[6]، ۲۰۱۴). سوال اصلی این پژوهش عبارت بود از اینکه طلاق کم‌آسیب برای فرزندان دارای چه شاخص‌هایی می‌باشد و سوالات بعدی بر اساس محتوای بیان شده در طول مصاحبه پرسیده می‌شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مطالعه با استفاده از روش کلایزی[7] انجام شد، در این روش هفت گام تا رسیدن به هدف طی می‌شود. در گام اول به منظور دستیابی به یک ایده کلی، تمامی داده‌های به دست‌آمده از مصاحبه مستندسازی شد و سپس چندین بار مورد مطالعه قرار گرفت تا درک کاملی از معنای اصلی مورد نظر مصاحبه

1 Cao
2 Markham
3 Qualitative Method
4 Phenomenology
5 Unstructured Interview
6 Patton
7 Collaizi

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

شوندگان به دست‌آید. در گام دوم با هدف استخراج عبارات مهم متن، به هریک از پروتکل‌ها مراجعه و جملات و عباراتی که به هر شکل بیانگر شاخص‌های طلاق کم‌آسیب برای کودکان بود استخراج شدند. در گام سوم با عنوان صورت‌بندی معانی، معنای نهفته در عبارات مهم استخراج و در پرانتز یادداشت گردید. در گام چهارم با هدف سازمان‌دهی معانی صورت‌بندی شده، معانی صورت‌بندی شده در گام پیشین با دقت مطالعه و براساس مشابهت میان آنها دسته‌بندی شدند. در گام پنجم، نتایج به دست‌آمده از مراحل پیشین با یکدیگر تلفیق شدند تا توصیف جامعی از پدیده مورد مطالعه به دست‌آید. در گام ششم به دنبال تقلیل‌سازی از یافته‌ها، توصیفات زائد، ناکارامد و اغراق شده از داده‌ها حذف گردید و نیز به منظور شناسایی ساختار اصلی پدیده مورد مطالعه، توصیف جامع گام پیشین به صورت یک بیانیه صریح و روشن نوشته شد. در گام هفتم به دنبال اعتبارسنجی یافته‌ها، به مشارکت کنندگان در پژوهش رجوع و نظر آنها در خصوص کدهای استخراج شده پرسیده شد و تغییرات مورد نیاز لازم اعمال گشت (مارو[1] و همکاران، ۲۰۱۵). جهت اعتبارسنجی داده‌های پژوهش از ۴ شاخص اعتبار گوبا[2] و لینکلن[3] (۱۹۸۹) استفاده شد. به منظور تضمین قابلیت اعتبار[4] داده‌ها، متن هر مصاحبه و کدهای استخراج شده به مشارکت کنندگان ارائه می‌شد تا صحت و سقم نتایج تایید گردد و وجود هرگونه مغایرت و ابهام مورد توجه و بررسی قرار می‌گرفت. به منظور تضمین قابلیت تاییدپذیری[5] داده‌ها از فرایند اپوخه (جداسازی) استفاده شد تا از ورود پیش‌فرض‌های محقق جلوگیری شود. فرایند انجام کار نیز در اختیار همکاران پژوهش قرار داده شد تا صحت نحوه انجام پژوهش تایید گردد. به منظور تضمین قابلیت ثبات[6] داده‌ها از کمک یک ناظر خارجی در بررسی داده‌ها استفاده شد. به منظور تضمین قابلیت انتقال‌پذیری[7] داده‌ها، ضمن نمونه‌گیری هدفمند، تلاش شد تا مشارکت کنندگان پژوهش در ویژگی‌های جمعیت شناختی حداکثر تنوع را دارا باشند و نیز توصیف روشن و جامعی از فرایند تحلیل داده‌ها ارائه شود.

یافته ها

جدول ۱ ویژگی جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد. شرکت کنندگان شامل ۱۳ نفر بودند که ۹ نفر از آنها زن و ۴ نفر مرد بودند. از این تعداد ۵ نفر دارای دکتری تخصصی در رشته‌های مشاوره و روانشناسی و ۸ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد مشاوره بودند.

جدول ۱. ویژگی جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

شرکت کننده	جنسیت	سن	مدرک-رشته	شغل	تعداد مقالات علمی	سابقه کار
شماره ۱	زن	۳۷	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور دادگستری	۴	۱۱
شماره ۲	زن	۴۷	دکتری روانشناسی بالینی	مشاور دادگستری	۷	۲۱
شماره ۳	زن	۴۶	دکتری روانشناسی بالینی	مشاور دادگستری	۸	۱۹
شماره ۴	زن	۳۵	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور دادگستری	۲	۸
شماره ۵	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور دادگستری	۲	۱۴
شماره ۶	مرد	۳۸	دکتری تخصصی مشاوره	مشاور مرکز خصوصی	۴	۱۲
شماره ۷	زن	۴۳	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور مرکز خصوصی	۲	۱۸
شماره ۸	مرد	۳۵	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور مرکز خصوصی	۳	۷
شماره ۹	زن	۴۲	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور مرکز خصوصی	۱	۱۵
شماره ۱۰	مرد	۴۵	دکتری تخصصی مشاوره	مشاور مرکز خصوصی	۱۳	۱۷
شماره ۱۱	زن	۳۸	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور مرکز خصوصی	۲	۱۳
شماره ۱۲	زن	۴۴	دکتری روانشناسی بالینی	مشاور دادگستری	۵	۱۶

1 Morrow
2 Guba
3 Lincoln
4 Credibility
5 Confirmability
6 Dependability
7 Transmissivity

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

شماره ۱۳	زن	۳۳	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور مرکز خصوصی	۱	۵

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص واکاوی شاخص‌های طلاق کم‌آسیب برای کودکان منجر به شناسایی ۳ مضمون اصلی شد.

جدول۲. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی
مداخلات مشاوره‌ای	مداخلات مشاوره‌ای برای والدین
	مداخلات مشاوره‌ای برای کودکان طلاق
	ضرورت مراجعه به مشاوره
مداخلات معطوف به والدین	ارتباط سالم والدین پس از طلاق
	عدم تضعیف جایگاه والد دیگر
	حفظ جایگاه والد دیگر
	بسترسازی مناسب برای ازدواج مجدد
	شرایط بهره‌گیری از منابع حمایتی
	آموزش والدگری
	تدریجی کردن فرایند طلاق
	کیفیت بخشی به ارتباط زوجی در طول طلاق
مداخلات معطوف به کودکان	الزام ملاقات
	کیفیت مطلوب ملاقات
	قواعد حضانت کم‌آسیب
	استقلال چندبعدی والد حاضر
	حفظ پیوندهای پیشینی کودک پس از طلاق
	حفظ مرزهای بافتی با خانواده‌ها
	عدم توجه افراطی
	عدم بروز رفتارهای مخرب والدینی
	مداخلات نقشی-تربیتی موثر
	مداخلات مثبت شناختی
	درک همدلانه کودک
	آگاهی بخشی صحیح در خصوص تصمیم طلاق
	ممانعت از مثلث‌سازی مضر

مضمون اول: مداخلات مشاوره‌ای

"ضرورت مراجعه به مشاوره": به منظور ترمیم آسیب‌های ناشی از طلاق و سازگاری با طلاق، دریافت مداخلات مشاوره‌ای برای والدین و فرزندان اهمیت دارد. «زمانی که زن و شوهر از هم جدا میشن شاید حتی متوجه نشده باشن که فرزندانشون تحت تاثیر این جدایی قرار میگیرن و بهتر که در این زمینه با یک متخصص کودک و نوجوان مشورت کنن. جدای از این خود اون والدینی که جدا میشن هم باید زخم‌هاشون ترمیم پیدا کنه» (شرکت کننده شماره ۳).

"مداخلات مشاوره‌ای برای والدین": بسیاری از والدین تصور می‌کنند که با وقوع طلاق مشکلات آنها به پایان می‌رسد، اما واقعیت آن است که فروپاشی نظام خانواده بدون دلیل اتفاق نمی‌افتد و هرآنچه که تعارضات زناشویی و جدایی والدین را سبب شده در صورت حل نشدن همچنان در زندگی والد و فرزند وجود خواهد داشت و می‌تواند مجددا زمینه ساز بروز آسیب برای کودکان شود. «یکی از کارهایی که والدین میتونن انجام بدن این که برن درمان بگیرن، چرا که یک مسئله‌ای بوده که تو با همسرت نتونستی ارتباط بگیری، خب تو هنوز همون آدمی و برای ادامه زندگیت باید این مشکلات رو حل کنی» (شرکت کننده شماره ۵).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

"مداخلات مشاوره‌ای برای کودکان طلاق": طلاق تجربه‌ای دردناک است که فقدان‌های بسیاری از جمله از بین رفتن زندگی خانوادگی، جدایی از والدین و تضعیف برخی از پیوندهای عاطفی را برای کودکان سبب می‌شود و فشار ناشی از این شرایط می‌تواند به سرکوبی احساساتی نظیر خشم درکودکان منجر شود و رفتارهای تکانشی را به همراه داشته باشد. «بچه باید یک درمانگر کودکی داشته باشه، یک نقش سومی این خانواده نیاز داره تا بچه بتونه کاستی ها و فقدان ها رو با اون فرد مطرح کنه» (شرکت کننده شماره ۱۱).

مضمون دوم: مداخلات معطوف به والدین

"عدم تضعیف جایگاه والد دیگر": رفتارهایی که با تخریب و تضعیف جایگاه والد دیگر همراه است به ایجاد نگرش منفی نسبت به آن والد در کودکان می‌انجامد و این امر تاثیر منفی بر روابط آینده کودکان به ویژه روابط عاطفی آنها دارد. « والدین به هیچ وجه حق تخریب همدیگه رو ندارن، وقتی اونها این کار رو انجام میدن در حقیقت به عزت نفس بچه آسیب می‌زنن» (شرکت کننده شماره ۶).

"حفظ جایگاه والد دیگر": فرآیند طلاق نباید به از دست دادن والد برای کودک منتهی شود. احترام به حقوق والد دیگر و به رسمیت شناختن جایگاه او می‌تواند تا حدودی احساس از دست دادن والد برای کودک را تعدیل کند. «والدینی که قرار جدا بشن باید احترام همدیگه رو نگهدارن و حقوق طرف مقابلشون رو به رسمیت بشناسن» (شرکت کننده شماره ۵).

"ارتباط سالم والدین پس از طلاق": ارتباط داشتن والدین پس از طلاق امری است که برای بهبود شرایط کودکان صورت می‌گیرد اما همین عامل کمک کننده خود با محدودیت‌هایی همراه است که در صورت رعایت نشدن آنها توسط والدین برای کودکان بسیار آسیب‌زا خواهد بود. «پدر و مادر باید بتونن با اینکه طلاق گرفتن به خاطر بچه و به خاطر مسائل مربوط به بچه باهم ارتباط داشته باشن، رابطه والدین به خاطر بچه باید ادامه پیدا کنه اما باز هم توی همین رابطه مرزهایی هست که باید رعایت بشه» (شرکت کننده شماره ۴).

"بسترسازی مناسب برای ازدواج مجدد": ازدواج مجدد والدین رخدادی است که نیازمند پذیرش و سازگاری یافتن کودکان است و هنگامی که کودکان هنوز با طلاق والدین خود کنار نیامده باشند توانایی پذیرش و سازگاری یافتن با ازدواج مجدد والدین را نخواهند داشت. «خیلی مهم که در زمان تصمیم ازدواج دوم ظرفیت پذیرش بچه در نظر گرفته بشه، وقتی بچه هنوز با طلاق والدین کنار نیومده باشه، نمی‌تونه با ازدواج مجدد والدین هم کنار بیاد» (شرکت کننده شماره ۷).

"شرایط بهره‌گیری از منابع حمایتی": توصیه‌های بسیاری در خصوص بهره‌گیری از منابع حمایتی به والدین مطلقه انجام می‌شود اما شرایط و چگونگی بهره‌گیری از این منابع است که سودمندی یا زیان بار بودن آن را تعیین می‌کند. حضور طولانی مدت کودک در نزد منابع حمایتی به تضعیف رابطه والد_فرزند و تربیت دوگانه در کودکان منجر می‌شود. «استفاده از منابع حمایتی باید محدود باشه، نمیشه منکر سودمندی منابع حمایتی شد اما نه برای بستر و محیطی که بچه بخواد توش رشد کنه، بزرگ شه و پرورش پیدا کنه، بلکه محیطی باشه به صورت موقت برای کمک به والدین و نه جایگزین اونها.» (شرکت کننده شماره ۱۰).

"کیفیت بخشی به ارتباط زوجی در فرایند طلاق": غالبا در طول روند جدایی تعارضات میان والدین شدت می‌یابد و مطرح شدن تصمیم طلاق والدین در این زمان، احساس ترس و ناامنی کودکان و نیز آسیب‌پذیری آنها در برابر تعارضات را بیشتر می‌کند. « اگه والدین اختلاف دارن در یک زمان مناسب که بچه‌ها حضور ندارن در موردش صحبت کنن» (شرکت کننده شماره ۳).

"تدریجی کردن فرایند طلاق": در بسیاری از موارد طلاق یک تصمیم هیجانی است و افراد به ویژه والدین پس از جدایی دچار احساس گناه و پشیمانی می‌شوند از این رو تدریجی کردن این فرایند می‌تواند در تصمیم‌گیری درست به والدین کمک کند. «وقتی فرصت طلاق داده بشه آدم‌ها میخوابه هیجاناتشون و این روند رو با تنش کمتری می‌گذرونن» (شرکت کننده شماره ۴).

"آموزش والدگری": یادگیری شیوه والدگری مناسب می‌تواند در کاهش آسیب طلاق موثر واقع شود. « یکی از چیزهایی که میتونه به والدین کمک کنه یادگیری سبک‌های فرزندپروری هست. اگه والدین کودک سبک فرزندپروری مقتدرانه داشته باشن، بچه یاد می‌گیره خودش رو قوی کنه» (شرکت کننده شماره ۲).

مضمون سوم: مداخلات معطوف به کودکان

"ممانعت از مثلث‌سازی مضر": هنگامی که والدین تعارض‌ها و اختلافات خود را به شیوه صحیح مدیریت و حل نمی‌کنند به منظور کاهش اضطراب و ناامنی که تجربه می‌کنند دست به مثلث‌سازی می‌زنند و با درگیر کردن کودکان، آنها را در موقعیت آسیب‌پذیرتری در طلاق قرار می‌دهند. «چیزی که بیشترین آسیب رو به بچه‌ها میزنه همین مثلث سازی که والدین با بچه‌ها انجام میدن، اینکه میان تلاش می کنن بچه رو بکشونن سمت خودشون» (شرکت کننده شماره ۱).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

"آگاهی‌بخشی صحیح در خصوص تصمیم طلاق": صحبت نکردن والدین با کودکان و تحمیل تصمیم طلاق به آنها به احساس خشم نسبت به والدین و بیگانه شدن از آنها می‌انجامد و در کنار انحلال خانواده، به عامل آسیب دیگری برای کودک تبدیل می‌شود. «این که چطور جدایی رو برای بچه بیان کنیم خیلی مهمه، باید آمادگی پاسخ‌گویی به سوالات بچه رو داشته باشیم و بهش اطمینان بدیم قرار نیست پدر و مادرش رو از دست بده و شرایط زندگی آینده رو براش توضیح بدیم» (شرکت کننده شماره ۳).

"درک همدلانه کودک": در نتیجه نادیده گرفتن تجارب دردناک کودکان و درک نکردن آنها ممکن است در کودکان احساس تنهایی و تصور قربانی شدن شکل بگیرد از این رو شنیده شدن آنها از سوی والدین می‌توانند در کاهش آسیب‌ها کمک کننده باشد. «بچه نیاز به شنیده شدن داره، اون باید بتونه داستان خودش رو بگه و والد هم اون رو بشنوه» (شرکت کننده شماره ۸).

"مداخلات مثبت شناختی": مداخلات مثبت شناختی با اصلاح عقاید و باورهای آسیب‌زا در بهبود وضعیت سلامت روان کودکان موثر واقع می‌شود. «بچه در طول طلاق شاهد خیلی از اتفاقات، ما می‌تونیم معنای دیگه‌ای به اون ماجرا بدیم» (شرکت کننده شماره ۱).

"مداخلات نقشی_تربیتی موثر": کودکان برای رشد سالم و طبیعی به محیط امنی نیاز دارند که در آن همانگونه که هستند پذیرفته شوند، عدم تناسب نقش کودکان با جایگاه و موقعیت رشدی آنها می‌تواند منجر به بلوغ زودررس، از دست دادن دوران کودکی و احساس خشم نسبت به والد شود. «انتظارات از بچه باید متناسب با سنش باشه، گاهی وظایفی رو به بچه می‌دن یا انتظاراتی از بچه دارن که مناسب سن اون بچه نیست» (شرکت کننده شماره ۱۱).

"عدم بروز رفتارهای مخرب والدینی": فرد در دوران کودکی به شدت تحت تاثیر والدین خود قرار دارد و گفتار و اعمال والدین مستقیما بر او تاثیر می‌گذارند، تاثیر پذیری کودکان از والدین در طول طلاق که کودکان در موقعیت آسیب‌پذیری قرار دارند بیشتر نیز می‌شود. «با بچه با خشونت رفتار نکنن و بچه‌ها رو مقصر اشتباهات خودشون ندونن» (شرکت کننده شماره ۳).

"حفظ مرزهای بافتی(با خانواده)": با وجود فرزندان، نظام خانواده در پی طلاق به طور کامل از بین نمی‌رود و رابطه والد_فرزند و مسائل مربوط به آن همچنان باید محافظت شود. «والدین باید از دخالت اطرافیان جلوگیری کنن» (شرکت کننده شماره ۹).

"الزام ملاقات": ملاقات داشتن با کودک هرچند در زمان محدود می‌تواند احساس ترک شدن از سوی والدین را از بین ببرد و عزت نفس کودکان را تقویت کند. «اگه در زمانی که حضانت با یکی از والدین، کودک با والد دیگه ارتباط نداشته باشه پیوند عاطفیش قطع میشه. نداشتن ملاقات باعث میشه بچه احساس ناکافی بودن داشته باشه و تصور کنه که رها شده» (شرکت کننده شماره ۸).

"کیفیت مطلوب ملاقات": شرایط نامطلوب قرار ملاقات عامل استرس‌زایی است که می‌تواند به اجتناب کودک و والد از ملاقات منجر شود. «ملاقات باید در یک محیط امن و بدون تنش انجام بشه، والدین باید آرامش خودشون رو در زمان ملاقات حفظ کنن و از درگیری دوری کنن» (شرکت کننده شماره ۱۱).

"استقلال چندبعدی والد حاضر": والدی که پس از طلاق حضانت کودک را بر عهده دارد باید حداقل معیارهای لازم برای این امر را در اختیار داشته باشد. در بسیاری از موارد انحلال نظام خانواده با کاهش منابع اقتصادی و عاطفی همراه است و والدین نمی‌توانند همچون گذشته نیازهای کودکان خود را رفع کنند و فرزندان شرایط سخت‌تری را نسبت به قبل از طلاق خواهند داشت. «والدی که قصد جدا شدن داره باید باید استقلال مالی و عاطفی داشته باشه، اینکه زندگی مستقلی داشته باشه خیلی مهمه» (شرکت کننده شماره۴).

"قواعد حضانت کم‌آسیب": مجبور کردن کودک به انتخاب یکی از والدین، به ایجاد احساس گناه در کودکان می‌انجامد و نگرانی مداوم کودکان نسبت به تغییر والد حاضر در ۷ سالگی، نادیده گرفتن نیازهای عاطفی_روانی کودک و تحمیل تصمیم حضانت به او با تضعیف امنیت دلبستگی، سلامت روان کودک را به خطر می‌اندازد. «وقتی والد بعد از ۷ سال بچه رو میخواد، بچه خیلی وحشت زده میشه و از این جدایی ناگهانی آسیب زیادی می‌بینه» (شرکت کننده شماره ۱۰) « به بچه فشار نیارن و آزادش بزارن تا تصمیم بگیره کجا زندگی کنه» (شرکت کننده شماره۵).

"حفظ پیوندهای پیشینی کودک پس از طلاق": هرچه کودکان تغییرات کمتری پس از طلاق در زندگی خود تجربه کنند راحت‌تر می‌توانند به سازگاری دست پیدا کنند. «تا جایی که میشه تلاش کنیم تغییرات کمتری بعد از طلاق توی زندگی بچه‌ها اتفاق بیفته» (شرکت کننده شماره ۶).

"عدم توجه افراطی": در بسیاری از موارد والدین به دلیل احساس گناهی که بعد از طلاق تجربه می‌کنند و یا به قصد برتری یافتن بر والد دیگر توجه افراطی نسبت به کودکان خود معطوف می‌کنند. «قرار نیست چون والدین طلاق گرفتن تمام انتظارات بچه رو برآورده کنن، رسیدگی زیاد به بچه‌های طلاق هم که بعضا اتفاق میفته به بچه آسیب می‌زنه» (شرکت کننده شماره ۴).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر، شناسایی شاخص‌های طلاق کم‌آسیب برای کودکان بود. تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه عمیق با ۱۳ متخصص روانشناختی حوزه طلاق، منجر به شناسایی ۳ مضمون اصلی شد که عبارتند از: ۱- مداخلات مشاوره‌ای، ۲- مداخلات معطوف به والدین، ۳- مداخلات معطوف به کودکان.

اولین مضمون به دست آمده از مطالعه مداخلات مشاوره‌ای می‌باشد، این یافته با پژوهش گورگان[1] (۲۰۲۰) و هررو[2] و همکاران (۲۰۲۳) مبنی بر اینکه مداخلات مشاوره‌ای برای والدین و فرزندان با کاهش آسیب طلاق برای کودکان همراه است، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت طلاق یک فرایند است و با جدایی قانونی به پایان نمی‌رسد، در نتیجه، والدین و فرزندان تا مدت‌ها با مسائل و مشکلات عاطفی، مادی و قانونی آن درگیر هستند. مراحل هیجانی بعد از طلاق شباهت بسیاری به مراحل سوگواری دارد و افراد برای گذر موفقیت-آمیز از این مراحل به کمک نیاز دارند (رابین[3] و همکاران، ۲۰۲۴). طلاق والدین تجربه‌ای دردناک برای کودکان است و آنها معمولا تصورات نادرستی درباره خود دارند و به خاطر جدایی والدین خود را سرزنش می‌کنند، در چنین شرایطی صحبت کردن در مورد احساسات به کودکان کمک می‌کند تا به شیوه‌ی مناسبی با استرس و چالش‌های طلاق والدین مقابله کنند و به درک صحیحی از تجربه‌های اجتماعی دست پیدا کنند (کروگ[4] و همکاران، ۲۰۲۴). هالپنی[5] و همکاران (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود تاثیر مثبت مداخلات مشاوره‌ای بر سازگاری کودکان با طلاق را نشان می‌دهند و فرصت بحث در مورد جدایی با یک فرد قابل اعتماد در خارج از خانواده را امری ارزشمند برای کاهش آسیب طلاق می‌دانند. از سوی دیگر، هیجانات منفی که والدین در طول گذار از این دوره تجربه می‌کنند با تاثیر منفی بر ارتباط والد_فرزند، آسیب‌های ناشی از طلاق برای کودکان را افزایش می‌دهد، والدینی که در سازگاری با تغییرات مشکل دارند، روابط چالش‌برانگیزی با فرزندان خود تجربه می‌کنند و این امر در توانایی کودک برای سازگاری با طلاق اختلال ایجاد می‌کند (التاناملی[6] و همکاران، ۲۰۲۱). نتایج مطالعات ساینی و کورنته[7] (۲۰۲۴) و سندلر[8] (۲۰۲۰) حاکی از آن است که مداخلات مشاوره‌ای و برنامه‌های آموزشی برای والدین مطلقه با کمک به والدین در مواجهه با چالش‌های طلاق و حل تعارض‌ها و نیز آموزش مهارت‌های والدگری و آگاهی بخشی در خصوص پیامدهای طلاق برای کودکان، منجر به افزایش رفاه کودکان و سازگاری بهتر آنها با طلاق می‌گردد. دومین مضمون به دست آمده از مطالعه، مداخلات معطوف به والدین می‌باشد. این یافته با مطالعه اشتاین باخ[9] (۲۰۲۴) همسویی دارد. این مضمون مداخلاتی را در بر می‌گیرد که محوریت آن والدین و روابط آنها می‌باشد. فرزندپروری مولفه‌ای است که به طور قابل توجه‌ای تحت تاثیر طلاق قرار می‌گیرد. طلاق جنبه‌ای از گذار خانواده هسته‌ای به خانواده دو هسته‌ای است و دست‌یابی به این تعادل جدید، اصلی ترین وظیفه والدین است. طلاق برای والدین تنها کنار گذاشتن نقش زن و شوهری است و آنها همچنان نقش والدگری را بر عهده دارند و فرایند طلاق نباید به از دست دادن والد برای کودک منتهی شود. اصلی‌ترین آسیبی که طلاق برای کودکان به همراه دارد آنست که انحلال ساختار خانواده باعث محروم شدن فرزند از حضور همزمان والدین می‌شود، در چنین موقعیتی یادگیری شیوه‌های والدگری که بتواند با پر کردن خلاهای ایجاد شده، آسیب طلاق را کاهش دهد مفید خواهد بود. در روش والدگری مقتدرانه اعمال قوانین و محدودیت توسط والدین و نیز تلاش آنها در رعایت حد و مرزها می‌تواند در مدیریت شرایط طلاق و کنترل اثرات آن بر فرزند موثر واقع شود (کامپانا[10] و همکاران، ۲۰۰۸). رژان[11] و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه خود چهار الگوی والدگری پس از طلاق: مشارکتی، مشارکت منفی، عدم مشارکت منفی و مشارکت متوسط را شناسایی کردند. طبق نتایج به دست آمده کودکانی که الگوی والدگری والدین آنها مشارکتی بود کمترین میزان مشکلات درونی سازی و برونی سازی را گزارش کردند، در حالی که کودکان با والدینی که دارای الگوی والدگری مشارکت منفی بودند بیشترین مشکلات درونی سازی را گزارش کردند. لاملا و فیگوایردو[12] (۲۰۱۶) نیز والدگری مشترک پس از طلاق و ارتباط سالم والدین را عاملی کلیدی در سلامت روان کودکان

1 Gurgan
2 Herrero
3 Rubin
4 Krug
5 Halpenny
6 Eltanamly
7 Saini & Crente
8 Sandler
9 Steinbach
10 Campana
11 Rejaan
12 Lamela & Figueiredo

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

معرفی می‌کنند. نکته مهم در ارتباط والدین پس از طلاق، وجود حد و مرز مشخص در این ارتباط است، والدین باید درک صحیحی از این موضوع داشته باشند که ارتباط آنها صرفا برای کودکان و در خصوص مسائل مربوط به آنها می‌باشد و نبود حد و مرز مشخص در این ارتباط منجر به ابهام مرزی برای کودکان و درنتیجه بروز آسیب‌های روانشناختی خواهد شد (بک‌مایر[1] و همکاران، ۲۰۲۱). تعاملات در زیرسیستم والدینی با سازگاری فرزندان مرتبط است و می‌توان آن را هم به عنوان یک عامل مخاطره‌آمیز و هم محافظتی برای کودکان در نظر گرفت. فرزندپروری و تعارض بین‌والدینی فرایندهای خانوادگی مهمی هستند که بر سازگاری کودکان با طلاق والدین تاثیر می‌گذارند (ون‌دیک[2] و همکاران، ۲۰۲۰)، نتایج مطالعات متعدد تاثیر منفی تعارض بین والدینی را بر رفتارهای اجتماعی کودکان نشان می‌دهد مطابق مطالعه آوچی[3] و همکاران (۲۰۲۱) دیدن رفتارهای پرخاشگرانه و تعارض بالای والدین در طول طلاق می‌تواند به یادگیری الگوهای مقابله و حل تعارض ناکارامد در کودکان منجر شود و بر سازگاری کودکان با طلاق والدین تاثیر منفی بگذارد. همچنین، جویس[4] (۲۰۱۶) بیان می‌کند که الگوگیری کودکان از والدین در تعارض، می‌تواند رفتارهای ضد اجتماعی و پرخاشگرانه را در کودکان به همراه داشته باشد. این امر اهمیت کیفیت ارتباط والدین و حل تعارض میان آنها را در کاهش آسیب طلاق برای کودکان به خوبی نشان می‌دهد.

سومین مضمون به دست آمده از مطالعه، مداخلات معطوف به کودکان می‌باشد. این یافته با مطالعه کلی[5] (۲۰۰۳) همسویی دارد. این مضمون به مداخلاتی اشاره دارد که محوریت آنها کودکان می‌باشد. کودکان برای رشد سالم و طبیعی به محیطی امن و با ثبات نیاز دارند، هرچه کودکان در طول طلاق فقدان‌های بیشتری را تجربه کنند طلاق نیز برای آنها آسیب زا تر خواهد بود. بدتر شدن وضعیت کودکان پس از طلاق والدین و از دست دادن رفاه سابق عاملی است که پذیرش طلاق برای کودکان را دشوارتر می‌کند و با ایجاد محرومیت و فقدان‌های بیشتر سلامت جسمی و روانی کودکان را به خطر می‌اندازد (فیشر[6]، ۲۰۰۷). مارکوچ[7] (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با هدف توسعه مفهوم خانه برای اعضای خانواده مطلقه، خانه را مفهومی معرفی می‌کند که علاوه بر محیط فیزیکی، زمان کافی و با کیفیتی را شامل می‌شود که والدین به کودک اختصاص می‌دهند و نیز بر حفظ پیوندهای پیشین و ایجاد محیطی با ثبات در زندگی کودک، به منظور جلوگیری از بروز آسیب‌های جدید تاکید می‌کند. اصلی ترین رابطه هر کودک، رابطه او با والدینش است و کودکان در مسیر رشد بسیاری از مهارت‌ها، الگوهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را از والدین خود می‌آموزند و ملاقات داشتن والدین با کودک هرچند در زمان محدود می‌تواند در کاهش آسیب طلاق موثر واقع شود (چیچک و نازلی[8]، ۲۰۲۳)، گالبریت و کینگزبری[9] (۲۰۲۲) نیز در پژوهش خود تداوم ارتباط با والد غیرحاضر در محیطی سالم و عاری از تعارض را عامل موثری در سازگاری کودکان با طلاق والدین معرفی می‌کنند و بر اهمیت کیفیت زمان ملاقات تاکید می‌کنند. قرار گرفتن کودکان در میان تعارض والدین می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری برای سلامت روان آنها به همراه داشته باشد. وجود رقابت میان والدین برای جلب وفاداری کودک و در نتیجه مثلث‌سازی با آنها، کودکان را با احساس تعارض در وفاداری به والدین تحت فشار قرار داده و عزت نفس آنها را کاهش می‌دهد و به عنوان یک مانع در مسیر سازگاری کودکان پس از طلاق قرار می‌گیرد (ون‌دیک و همکاران، ۲۰۲۲)، از این رو، وجود روابط سالم میان والدین و فرزندان از اهمیت بسزایی برخوردار است، حضور والدین و فرزندان در یک محیط بدون تعارض و شنیده شدن کودکان و به رسمیت شناختن تجارب آنها از سوی والدین، نه تنها والدین را از آسیب و رنج های کودکان آگاه می‌کند بلکه این آگاهی به اقدامات مثبت و موثر والدین در ارتباط با کودکان می‌انجامد (کامیساکا[10] و همکاران، ۲۰۱۹). بسیاری از آسیب‌های طلاق والدین برای کودکان، در نتیجه برداشتی که کودکان از تجارب منفی دوران طلاق یا قبل و بعد از آن دارند به وجود می‌آید حضور والدین و مداخلات موثر آنها در راستای معنادهی مجدد به تجارب منفی کودکان، با اصلاح عقاید و باورهای منفی کودکان، می‌تواند کاهش آسیب طلاق برای کودکان را به همراه داشته باشد (گریچ[11] و همکاران، ۱۹۹۲).

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که مفهوم طلاق کم‌آسیب برای کودکان، سه سطح مداخلات مشاوره‌ای، مداخلات معطوف به والدین و مداخلات معطوف به کودکان را در بر می‌گیرد و انجام مداخلات هدفمند و برنامه‌ریزی شده برای کودکان طلاق و والدین آنها می‌تواند در کاهش آسیب طلاق برای کودکان و جبران صدمات وارد شده به آنها در طول فرایند طلاق موثر واقع شود. طلاق تجربه‌ای

1 Beckmeyer
2 Van Dijk
3 Avci
4 Joyce
5 Kelly
6 Fisher
7 Markoc
8 Cicek & Nazli
9 Galbraith & Kingsbury
10 Camisasca
11 Grych

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

دردناک و استرس‌زا برای والدین و فرزندان می‌باشد و پویایی خانواده را به عنوان یک کل تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو اتخاذ دیدگاه سیستمی در مواجهه با مسائل مربوط به طلاق اهمیت دارد. آسیب پذیری کودکان در نتیجه طلاق والدین به میزان قابل توجهی تحت تاثیر روابط با والدین قرار دارد و کاهش آسیب طلاق برای کودکان زمانی ممکن است که علاوه بر کودکان مداخلاتی مناسب با محوریت والدین نیز صورت گیرد. ناتوانی والدین و فرزندان در مقابله موثر با چالش‌های طلاق و ضعف مهارت‌های فرزندپروری طلاق از عمده دلایلی است که انجام مداخلات مشاوره‌ای را برای والدین و فرزندان ضرورت می‌بخشد. در نتیجه، دستیابی به طلاق کم‌آسیب برای کودکان نیازمند مداخلات سازمان یافته در سطوح مختلف می‌باشد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود به طوری که شرکت کنندگان در پژوهش صرفا از میان مشاوران روانشناختی حوزه طلاق شهر کرمانشاه انتخاب شدند، بنابراین تعمیم نتایج مستلزم رعایت احتیاط است و پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌ها و فرهنگ-های دیگر کشور تکرار شود و نیز در پژوهش‌های آتی با استفاده از روش‌شناسی کیفی مطالعه‌ای میان رشته‌ای با متخصصان سایر حوزه‌های مربوط، نظیر حقوقی و جامعه‌شناسی به منظور شناسایی شاخص‌های طلاق کم‌آسیب صورت گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود با استفاده از مضامین استخراج شده از پژوهش حاضر و از طریق روش شناسی‌های کمی به طراحی و اعتباریابی ابزاری جهت سنجش طلاق کم‌آسیب برای فرزندان اقدام شود.

سپاسگزاری: بدین وسیله از تمامی متخصصانی که در این پژوهش شرکت داشتند تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

حسین‌زاده دشتی، م، صالحی، ک، کشاورز افشار، ح، و جوادی پور، م. (۱۴۰۳). بررسی آسیب‌های روان‌شناختی کودکان ایرانی در طلاق والدین: یک مطالعه مروری نظام‌مند. *رویش روان شناسی، ۱۳* (۶)، ۴۱-۵۲. https://frooyesh.ir/article-1-4856-fa.html

سازمان ثبت احوال کشور. (۱۴۰۱). سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال کشور. تهران: سازمان ثبت احوال کشور. www.sabteahval.ir

Amato, P. R. (2014). The consequences of divorce for adults and children: An update. *Društvena istraživanja-Časopis za opća društvena pit1anja, 23(01), 5-24.* https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.01269.x

Amato, P. R., Kane, J. B., & James, S. (2011). Reconsidering the "good divorce". *Family relations, 60(5), 511-524.* https://doi.org/10.1111/j.1741-3729.2011.00666.x

Arch, M., Garcia-Arch, J., & Pereda, N. (2024). Indicators of child victimization in high-conflict divorce: Interprofessional consensus based on a delphi panel. *Anuario de Psicología Jurídica, 34(1), 41-46.* https://doi.org/10.5093/apj2024a1

Avci, R., Adiguzel, A., Zeybek, S. U., & Çolakkadıoğlu, O. (2021). The role of post-divorce parental conflict in predicting aggression, anger, and symptoms of anxiety and depression among university students. *Journal of Divorce & Remarriage, 62(3), 199–215.* https://doi.org/10.1080/10502556.2021.1871830

Beckmeyer, J. J., Krejnick, S. J., McCray, J. A., Troilo, J., & Markham, M. S. (2021). A multidimensional perspective on former spouses' ongoing relationships: Associations with children's postdivorce well-being. *Family Relations, 70(2), 467-482.* https://doi.org/10.1177/0192513X211029264

Bing, N. M., Nelson III, W. M., & Wesolowski, K. L. (2009). Comparing the effects of amount of conflict on children's adjustment following parental divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, *50*(3), 159-171. https://doi.org/10.1080/10502550902717699

Camisasca, E., Miragoli, S., Di Blasio, P., & Feinberg, M. (2019). Co-parenting mediates the influence of marital satisfaction on child adjustment: The conditional indirect effect by parental empathy. *Journal of Child and Family Studies, 28, 519-530.* https://doi.org/10.1007/s10826-018-1271-5

Campana, K. L., Henderson, S., Stolberg, A. L., & Schum, L. (2008). Paired maternal and paternal parenting styles, child custody and children's emotional adjustment to divorce. *Journal of Divorce & Remarriage, 48(3-4), 1-20.* https://doi.org/10.1300/J087v48n03_01

Cao, H., Fine, M. A., & Zhou, N. (2022). The divorce process and child adaptation trajectory typology (DPCATT) model: The shaping role of predivorce and postdivorce interparental conflict. *Clinical Child and Family Psychology Review, 25(3), 500-528.* http://dx.doi.org/10.1007/s10567-022-00379-3

Çiçek, E., & Nazlı, S. (2023). Examination of the factors affecting the adjustment of the children of divorced families. *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal, 13(68), 122-145.* https://doi.org/10.17066/tpdrd.1218605ec

Eltanamly, H., Leijten, P., Jak, S., & Overbeek, G. (2021). Parenting in Times of War: A Meta-Analysis and Qualitative Synthesis of War Exposure, Parenting, and Child Adjustment. Trauma, *violence & abuse, 22(1), 147–160.* https://doi.org/10.1177/1524838019833001

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

Fischer, T. (2007). Parental divorce and children's socio-economic success: Conditional effects of parental resources prior to divorce, and gender of the child. *Sociology, 41(3), 475-495*. https://doi.org/10.1177/0038038507076618
Galbraith, N., & Kingsbury, M. (2022). Parental separation or divorce, shared parenting time arrangements, and child well-being: new findings for Canada. *Canadian Studies in Population, 49(2), 75-108.* https://doi.org/10.1007/s42650-022-00068-0
Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale. *Child development, 63(3), 558-572*. https://doi.org/10.2307/1131346
Gurgan, U. (2020). The Effect of Psychodrama Integrated Psycho-Education Program on Resilience and Divorce Adjustment of Children of Divorced Families. *World Journal of Education, 10(1), 56-68.* https://doi.org/10.5430/wje.v10n1p56
Haimi, M., & Lerner, A. (2016). The impact of parental separation and divorce on the health status of children, and the ways to improve it. *Journal of Clinical & Medical Genomics, 4(1), 1-7.* https://doi.org/10.4172/2472-128X.1000137
Halpenny, A. M., Greene, S., & Hogan, D. (2008). Children's perspectives on coping and support following parental separation. *Child Care in Practice, 14(3), 311–325*. https://doi.org/10.1080/13575270802041720
Herrero, M., Roca, P., Cormenzana, S., & Martínez-Pampliega, A. (2023). The efficacy of postdivorce intervention programs for children: A meta-analytical review. *Family process, 62(1), 74-93.* https://doi.org/10.1111/famp.12807
Joyce, A. N. (2016). High-conflict divorce: A form of child neglect. *Family Court Review, 54(4), 642-656* https://doi.org/10.1111/fcre.12249
Karhina, K., Bøe, T., Hysing, M., & Nilsen, S. A. (2023). Parental separation, negative life events and mental health problems in adolescence. *BMC Public Health, 23(1), 2364*. https://doi.org/10.1186/s12889-023-17307-x
Karhina, K., Bøe, T., Hysing, M., Askeland, K. G., & Nilsen, S. A. (2024). Parental separation and school dropout in adolescence. *Scandinavian Journal of Public Health, 52(5), 632-63.* https://doi.org/10.1177/14034948231164692
Kostense, L. (2024). The consequences of divorce-related relocation:a scoping review on the (Lack of) knowledge of the topic. *Marriage & Family Review, 60(4), 210-235*. https://doi.org/10.1080/01494929.2024.2328245
Krasniqi, N. (2023). The psychological effects of parental divorce on the behavior of preschool children. *Journal of Social Studies Education Research, 14(2), 51-74. Retrieved November 23, 2024 from*. https://www.learntechlib.org/p/223025/
Krug, C., Vaterlaus, J. M., & Routh, B. (2024). Adolescent Adjustment to Parental Marital Transitions: Experiences in Urban, Rural and Suburban Communities. *Family Transitions, 65(3), 199-222*. https://doi.org/10.1080/10502556.2023.2295060
Kuo, S. I. C., Thomas, N. S., Aliev, F., Bucholz, K. K., Dick, D. M., McCutcheon, V. V., Meyers, J. L., Chan, G., Kamarajan, C., Hesselbrock, V., Plawecki, M. H., Porjesz, B.,Ttischfield, J., & Salvatore, J. E. (2023). Association of parental divorce, discord, and polygenic risk with children's alcohol initiation and lifetime risk for alcohol use disorder. *Alcohol: Clinical and Experimental Research, 47(4), 724-735.* https://doi.org/10.1111/acer.15042
Lamela, D., & Figueiredo, B. (2016). Coparenting after marital dissolution and children's mental health: a systematic review. *Jornal de pediatria, 92(4), 331–342*. https://doi.org/10.1016/j.jped.2015.09.011
Lan, X., & Mastrotheodoros, S. (2024). Teacher autonomy support and internalizing problems of adolescents from divorced and intact families: moderation by personality typologies. *Child Psychiatry & Human Development, 55(1), 182-194.* https://doi.org/10.1007/s10578-022-01392-x
Markham, M. S., DeGreeff, B., & Guyette, E. (2024). Staying connected after divorce: Adolescent child and nonresidential parent perspectives. *Family Relations, 73(3), 2170-2192*.https://doi.org/10.1111/fare.12994
Markoç, İ. (2023). Feeling Like Home Again: After Divorce Processes from Different Family Perspective. *Journal of Family Counseling and Education, 7(2), 55-72.* https://doi.org/10.32568/jfce.1175330
Morrow, R., Rodriguez, A., & King, N. (2015). Colaizzi's descriptive phenomenological method. *The psychologist, 28(8), 643-644.* https://doi.org/10.1177%2F1359105319890014
O'Hara, K. L., Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2024). Interparental conflict and adolescent emotional security across family structures. *Family process, 63(1), 265-283.* https://doi.org/10.1111/famp.12872
Patton, M. Q. (2014). Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice. *Sage publications. pp. 642-643.*
Qadar, M., & Alam, A. (2024). How does a broken family affect the socializayion of children? (a criyical analysis). *International Journal of ContemporaryIssues in Social Science, 1(3), 848-854.*https://doi.org//10.13140/RG.2.2.29790.20809.
Radetzki, P. A., Deleurme, K. A., & Rogers, S. M. (2021). The implications of high-conflict divorce on adult–children: Five factors related to well-being. *Journal of Family Studies, 28*(3), 801–821. https://doi.org/10.1080/13229400.2020.1754277
Rejaän, Z., van der Valk, I. E., & Branje, S. (2022). Postdivorce coparenting patterns and relations with adolescent adjustment. *Journal of Family Issues, 43(7), 1739–1759*. https://doi.org/10.1177/0192513X211030027
Rosenstein, D. S. (2024). Custody conflict as a developmental trauma. The Psychoanalytic Study of the Child, 77(1), 26-40. https://doi.org/10.1080/00797308.2023.2279404
Rubin, S. S., Manevich, A., & Yehene, E. (2024). Continuing Bonds in Marriage, Death and Divorce: Conceptual and Clinical Considerations in the Relationship to Self and Spouse. *OMEGA - Journal of Death and Dying*, 302228241226471. Advance online publication. https://doi.org/10.1177/00302228241226471
Salvatore, J. E., Aggen, S. H., & Kendler, K. S. (2023). Parental divorce and trajectories of alcohol consumption in men: A genetically informative perspective. *Journal of studies on alcohol and drugs, 84(6), 902-912.* https://doi.org/10.15288/jsad.23-00033

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]

Saini, M. A., & Corrente, S. (2024). Educating for change: A meta-analysis of education programs for separating and divorcing parents. *Family Court Review, 62(3), 512–541.* https://doi.org/10.1111/fcre.12801

Sandler, I., Wolchik, S., Mazza, G., Gunn, H., Tein, J.-Y., Berkel, C., Jones, S., & Porter, M. (2020). Randomized effectiveness trial of the new beginnings program for divorced families with children and adolescents. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 49(1), 60–78.* https://doi.org/10.1080/15374416.2018.1540008

Steinbach, A. (2024). Coparenting as a mediator between physical custody arrangements and children's mental health. *Family process, 63(1), 284-298.*https://doi.org/10.1111/famp.12844

Tosi, M., & Guetto, R. (2024). The social stratification in parent-child relationships after separation: Evidence from Italy. *Journal of Family Research, 36, 0-0.* https://dx.doi.org/10.20377/jfr-982

Tran, B. T., Nguyen, M. T., Nguyen, M. T., Nguyen, T. G., Duc, V. N. H., & Tran, T. T. M. (2023). Mental health and its determinants among adolescents living in families with separated or divorced parents in an urban area of Vietnam. *Osong Public Health and Research Perspectives, 14(4), 300.* https://doi.org/10.24171/j.phrp.2023.0110

van der Wal, R. C., Finkenauer, C., & Visser, M. M. (2019). Reconciling mixed findings on children's adjustment following high-conflict divorce. *Journal of child and family studies, 28(2), 468-478.* https://doi.org/10.1007/s10826-018-1277-z

van Dijk, R., van der Valk, I. E., Deković, M., & Branje, S. (2022). Triangulation and child adjustment after parental divorce: Underlying mechanisms and risk factors. *Journal of family psychology 36(7), 1117–1131.* https://doi.org/10.1037/fam0001008

van Dijk, R., van der Valk, I. E., Buist, K. L., Branje, S., & Deković, M. (2022). Longitudinal associations between sibling relationship quality and child adjustment after divorce. *Journal of Marriage and Family, 84(2), 393–414.* https://doi.org/10.1111/jomf.12808

Wang, W., Yin, R., Cao, W., Wang, Y., Zhang, T., Yan, Y., & Tang, K. (2022). Assessing parental marital quality and divorce related to youth sexual experiences and adverse reproductive health outcomes among 50,000 Chinese college students. *Reproductive Health, 19(1), 219.* https://doi.org/10.1186/s12978-022-01531-6

Xie, N. (2024). The effect of parental divorce on child depression. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences, 26, 602-607.* https://doi.org/10.54097/2kk2k489

Zakhour, M., Haddad, C., Salameh, P., Al Hanna, L., Sacre, H., Hallit, R., Soufia, M., Obeid, S., & Hallit, S. (2023). Association between parental divorce and anger, aggression, and hostility in adolescents: results of a National Lebanese Study. *Journal of family issues, 44(3), 587-609.* https://doi.org/10.1177/0192513X211054468

Zhou, Y. (2023). Review of the impacts of parental divorce on outsprings. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences, 22, 220-224.* https://doi.org/10.54097/ehss.v22i.12423

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.4.51]